

دست آوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی
کتاب حوزه و دانشگاه

این روزها



سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران
دفتر فرهنگی

ناشر: اداره طراحی و ارزیابی معاونت فرهنگی

به کوشش خانه هنک و هنر سافیا

نویسنده: حسین خسروی

ویراستاری مجموعه: سعید زاهدی، جعفر شیرعلی نیا

طراحی گرافیک: مهیار پوری

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۷

شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه

سرشناسه: خسروی، حسین

عنوان و نام پدیدآور: دست آورد: فرهنگ

نویسنده: حسین خسروی؛ (زمستان ۱۳۸۷)

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی هنری شهرداری تهران، ۱۳۸۷

مشخصات ظاهری: ۴۸ ص.

فروست: این روزها: [ج ۶]

شابک: 978-964-238-044-1

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: حوزه و دانشگاه

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷

موضوع: ایران -- تاریخ -- پهلوی ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷

شناسه افزوده: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مؤسسه فرهنگی هنری شهرداری تهران

شناسه افزوده: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مؤسسه فرهنگی هنری شهرداری تهران

شناسه افزوده: این روزها: [ج ۶]

رده بندی کنگره: ۱۲۸۷ ج ۶، الف ۹/ ۳/ ۱۵۶۴ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/ ۰۸۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۶۹۸۵۷

مقدمه	۰۹
آن روزها	■
روایت همراهی و جدایی حوزه و دانشگاه قبل از انقلاب اسلامی	۱۱
روایت اول: روزهای همراهی	
روایتی از تشکیل اولین مراکز علمی میان مسلمانان	۱۳
روایت دوم: روزهای جدایی	
روایت تلاش‌های استعماری برای تفرقه میان حوزه و دانشگاه	۱۹

این روزها	■
روایت وحدت حوزیان و دانشگاهیان در انقلاب اسلامی	۲۷
روایت اول: باید با هم باشند	
وحدت و تفرقه از نگاه رهبران	۲۹
روایت دوم: انقلاب وحدت‌آفرین	
روایتی از وحدت حوزه و دانشگاه در مبارزه علیه شاه	۳۳
روایت سوم: انقلابی فرهنگی	
روایتی از تلاش برای وحدت تئوریک	۳۷
روایت چهارم: این‌جا که امروز هستیم	
روایتی از برخی از فعالیت‌های به‌ثمر نشسته	۴۱
روایت آخر	۴۷
منابع	۴۸

مقایسه می‌کنیم تا تغییر را نشان دهیم. رسیدن از جایی به جایی دیگر راه اما بعضی وقت‌ها مقایسه درست نیست. مثل مقایسه دو چیز که در یک راستا نیستند. درست که نیست، شاید فایده هم باشد.

مقایسه‌ی وضعیت قبل و بعد از انقلاب در بسیاری جهات چنین است؛ به خصوص از جهات فرهنگی. حکومتی که شاهش بی‌سواد است، وزیرش دکتر حسینی را نصیحت می‌کند که به همان طبابت مشغول شود. دکتر می‌گوید من پزشک نیستم دکتر فیزیکم، می‌گویند فیزیک چیست، مسئول دیگرش ساختن دانشگاه را پا کردن در کفش غربی‌ها می‌داند و ساختنش را در ایران هفتاد سال زود می‌داند و مامور سانسورش از ناظر می‌خواهد کلمه‌ی رضا را در شعر حافظ حذف کنید که نوه‌ین به شاه کبیر است. جامعه‌ای که زن‌هایش حق سوادآموزی ندارند، بیش از هفتاد درصد مردمش بی‌سواداند و کتاب در آن به قدرت چاپ می‌شود. در این مجموعه اگر از آن روزها گفته‌ایم، هدفمان فقط مقایسه نبوده. برای این بوده که بدانیم چه کسانی ما را عقب نگه داشته بودند و تا کجاها؟ ما سراغ اقتصاد و سیاست نرفته‌ایم، به موضوعات فرهنگی و تحولاتی که در این سی سال در حوزه‌های فرهنگی اتفاق افتاده پرداخته‌ایم تا بدانیم تا کنون چه کرده‌ایم و به کجا رسیده‌ایم و برای رسیدن به آن‌جا که می‌خواهیم، تک‌تکمان، چه قدر باید تلاش کنیم تا اثرات فرهنگ تحمیلی دوره‌ی دو هزار و پانصد ساله‌ی شاهان را از میان برداریم.

چه فرقی دارد میان حوزه و دانشگاه وحدت باشد یا نباشد؟ اصلاً این وحدت چیست و به چه درد می‌خورد؟ حوزه و دانشگاه با علم سر و کار دارند، پس نقطه‌ی اشتراکشان علم است و اتفاقاً نقطه‌ی افتراقشان هم. اگر علم را «مجموعه‌ی پاسخ‌های بشر به آن‌چه نمی‌داند» تعریف کنیم، می‌توانیم بگوییم تفاوت و اختلاف در حوزه و دانشگاه ناشی از تفاوت آن دو در روش و شیوه‌ی پاسخ‌گویی‌شان به این پرسش‌ها است.

انسان از زمان حضورش بر زمین پی یافتن و فهمیدن اطرافش بوده و علم حاصل همین جست‌وجوست. انسان اجتماعی‌ست و همیشه دوست داشته دانشش را نگه داشته به دیگران منتقل کند. این تمایل نهادهای آموزش و انتقال علم را به‌وجود آورده است. و نتیجه‌ی تفاوت در نوع علم تفاوت در نهادهای انتقالش بوده است. نهادهایی که یا به دین و دینداران مربوط بوده‌اند، که پاسخ‌ها را از وحی می‌گیرند، یا به چیزی غیر از آن که پاسخ‌ها را از عقل منتزع بشری می‌گیرند. در اسلام این دو نهاد با هم همراه بودند، اما دسیسه‌ها آن‌ها را از هم جدا کردند و بعد مقابل هم قرار دادند. انقلاب اسلامی و رهبری امام دوباره این دو را همراه کرد.